

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Impact of the Theories of John Maynard Keynes and Ali Shariati on Economic Development in Islamic and Non-Islamic Countries

Golnaz Tavassoli¹, Babak Sadeghi^{*1}

1. Department of Theology, Shahed University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: b.sadeghi32@gmail.com

ABSTRACT

This article conducts a comparative analysis of the theories of John Maynard Keynes and Ali Shariati and their impacts on economic development in Islamic and non-Islamic countries. Keynes, as the founder of modern macroeconomics, emphasized the role of government in the economy and the importance of effective demand, playing a significant role in managing economic crises in non-Islamic countries such as the United States, Japan, and Germany. On the other hand, Shariati, focusing on social and economic justice and the role of religion in development, provided a native and Islamic model for economic development, which has been considered in Islamic countries such as Iran, Turkey, and Malaysia. This article examines case studies of these countries, providing a comparative analysis of the outcomes and implications of implementing the theories of Keynes and Shariati under different conditions. It demonstrates that each of these theories can be effectively used as tools for economic and social development. Finally, suggestions for future research are offered, focusing on further comparative analysis, examining successful and unsuccessful experiences, and analyzing the role of local culture and values in implementing economic policies.

Keywords: *John Maynard Keynes, Ali Shariati, economic development, social justice, Islamic countries, economic policies.*

How to cite: Tavassoli, G., & Sadeghi, B. (2024). The Impact of the Theories of John Maynard Keynes and Ali Shariati on Economic Development in Islamic and Non-Islamic Countries. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(1), 33-44.



تاریخ ارسال: ۸ بهمن ۱۴۰۲
 تاریخ بازنگری: ۱۲ اسفند ۱۴۰۲
 تاریخ پذیرش: ۲۴ اسفند ۱۴۰۲
 تاریخ چاپ: ۲۵ فروردین ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تأثیر نظریات جان مینارد کینز و علی شریعتی بر توسعه اقتصادی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی

گلناز توسلی^۱، بابک صادقی^{*۱}

۱. دانشکده الهیات، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: b.sadeghi32@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی نظریات جان مینارد کینز و علی شریعتی و تأثیرات آن‌ها بر توسعه اقتصادی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می‌پردازد. کینز به عنوان پایه‌گذار اقتصاد کلان مدرن با تأکید بر نقش دولت در اقتصاد و اهمیت تقاضای مؤثر، نقش بسزایی در مدیریت بحران‌های اقتصادی در کشورهای غیر اسلامی مانند ایالات متحده، ژاپن و آلمان داشته است. از سوی دیگر، شریعتی با تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی و نقش دین در توسعه، الگویی بومی و اسلامی برای توسعه اقتصادی ارائه داده است که در کشورهای اسلامی مانند ایران، ترکیه و مالزی مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله با بررسی مطالعات موردی کشورهای مذکور، به تحلیل تطبیقی نتایج و پیامدهای اجرای نظریات کینز و شریعتی در شرایط مختلف پرداخته و نشان می‌دهد که هر یک از این نظریات می‌توانند به عنوان ابزارهای مؤثری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند. در پایان، پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده در زمینه تحلیل تطبیقی بیشتر، بررسی تجربیات موفق و ناموفق و تحلیل نقش فرهنگ و ارزش‌های محلی در اجرای سیاست‌های اقتصادی ارائه شده است.

کلیدواژگان: جان مینارد کینز، علی شریعتی، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی، کشورهای اسلامی، سیاست‌های اقتصادی.

نحوه استناددهی: توسلی، گلناز، و صادقی، بابک. (۱۴۰۳). تأثیر نظریات جان مینارد کینز و علی شریعتی بر توسعه اقتصادی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۲(۱)، ۳۳-۴۴.



زندگی نامه و معرفی کینز

جان مینارد کینز در ۵ ژوئن ۱۸۸۳ در کمبریج، انگلستان متولد شد. وی یکی از برجسته‌ترین اقتصاددانان قرن بیستم است که با نظریات خود در زمینه اقتصاد کلان، تأثیرات عمیقی بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی جهانی گذاشت. کینز تحصیلات خود را در رشته ریاضیات در دانشگاه کمبریج به پایان رساند و سپس به تدریس و تحقیق در زمینه اقتصاد پرداخت. آثار برجسته وی مانند "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول" (۱۹۳۶) باعث شد که وی به عنوان پدر اقتصاد کلان مدرن شناخته شود (Gerrard, 2023; Patinkin, 2023).

نظریه‌های اقتصادی کینز

نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول

در کتاب "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول"، کینز تئوری‌های اساسی خود را در مورد چگونگی کارکرد اقتصاد کلان ارائه داد. وی معتقد بود که سطح اشتغال و تولید در اقتصاد به میزان تقاضای کل وابسته است و نه به عرضه. به بیان دیگر، اقتصاد در بلندمدت ممکن است به دلیل کمبود تقاضای کل در شرایط رکود قرار گیرد. کینز همچنین نقش مهمی برای دولت در تحریک تقاضا و خروج از رکود اقتصادی قائل بود و بر این باور بود که سیاست‌های مالی و پولی مناسب می‌توانند به تعادل اقتصاد کمک کنند (Baddeley, 2017).

نقش دولت در اقتصاد

کینز برخلاف اقتصاددانان کلاسیک که بر خودتنظیمی بازار اعتقاد داشتند، بر این باور بود که دولت باید نقش فعالی در اقتصاد ایفا کند. وی معتقد بود که دولت می‌تواند از طریق افزایش هزینه‌های عمومی و کاهش مالیات‌ها، تقاضای کل را تحریک کرده و اقتصاد را از رکود خارج کند. این رویکرد به نام "کینزیسم" شناخته می‌شود و در بسیاری از کشورها به عنوان راهکاری برای مقابله با

در قرن بیستم، نظریات جان مینارد کینز و علی شریعتی به عنوان دو متفکر برجسته در زمینه اقتصاد و توسعه اجتماعی، تأثیرات گسترده‌ای بر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای مختلف داشتند. کینز با نظریات اقتصادی خود و تأکید بر نقش دولت در تحریک تقاضا، پایه‌گذار اقتصاد کلان مدرن شد، در حالی که شریعتی با تأکید بر عدالت اجتماعی و توسعه انسانی، نگرشی جدید به توسعه اقتصادی در جوامع اسلامی ارائه داد. مطالعه تطبیقی این دو نظریه می‌تواند به درک بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کمک کند.

اهمیت مطالعه نظریات کینز و شریعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی نه تنها به دلیل تأثیرات تاریخی آنها بلکه به دلیل کاربردهای عملی آنها در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای مختلف است. نظریات کینز در کشورهای صنعتی و پیشرفته به کار گرفته شده و نتایج قابل توجهی در کاهش بحران‌های اقتصادی و ایجاد ثبات اقتصادی به همراه داشته است. از سوی دیگر، نظریات شریعتی در کشورهای اسلامی به عنوان یک رویکرد فرهنگی و اجتماعی به توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه به تحلیل عمیق‌تری از کاربردهای این نظریات در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می‌پردازد.

روش تحقیق

این تحقیق از روش‌های کیفی و کمی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند. منابع مورد استفاده شامل مقالات علمی، کتاب‌ها، و گزارش‌های مرتبط با نظریات کینز و شریعتی است. همچنین، مطالعه‌های موردی از کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی برای تحلیل عملی نظریات این دو متفکر به کار گرفته می‌شود. داده‌ها از طریق مصاحبه با کارشناسان اقتصادی و اجتماعی، تحلیل مستندات تاریخی و اقتصادی، و بررسی آمارهای رسمی جمع‌آوری و تحلیل می‌شوند.

نظریات جان مینارد کینز

ایجاد کرده و تا به امروز تأثیرات عمیقی بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در سطح جهانی داشته است. ارجاعات و تحلیل‌های متعدد نشان‌دهنده کاربرد گسترده و پایدار نظریات وی در مواجهه با چالش‌های اقتصادی معاصر هستند.

نظریات علی شریعتی

زندگی‌نامه و معرفی شریعتی

علی شریعتی، متفکر و نظریه‌پرداز برجسته ایرانی، در ۲۳ نوامبر ۱۹۳۳ در مزینان، ایران متولد شد. وی تحصیلات خود را در رشته‌های جامعه‌شناسی و اسلام‌شناسی در دانشگاه سوربون پاریس به پایان رساند و پس از بازگشت به ایران، به تدریس و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی پرداخت. شریعتی با تألیف کتب و مقالات متعدد در زمینه‌های اجتماعی، دینی و اقتصادی، تأثیرات زیادی بر تحولات فکری و اجتماعی ایران و سایر کشورهای اسلامی داشت. آثار برجسته وی مانند "امت و امامت" و "بازگشت به خویشتن" نقش مهمی در شکل‌دهی به جنبش‌های اسلامی و اجتماعی ایفا کرده‌اند (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

اندیشه‌های اجتماعی و اقتصادی شریعتی

توسعه و خودکفایی

شریعتی بر اهمیت توسعه و خودکفایی اقتصادی در جوامع اسلامی تأکید داشت. وی معتقد بود که توسعه باید به گونه‌ای باشد که از منابع داخلی استفاده شده و وابستگی به کشورهای خارجی کاهش یابد. شریعتی بر این باور بود که جوامع اسلامی باید به خودکفایی اقتصادی برسند تا بتوانند استقلال خود را حفظ کنند و از استثمار اقتصادی و فرهنگی غرب جلوگیری کنند (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022). وی همچنین تأکید داشت که توسعه باید با توجه به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی صورت گیرد و نباید صرفاً به الگوهای غربی متکی باشد.

عدالت اجتماعی و اقتصادی

بحران‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است (Backhouse, 2021).

مفهوم تقاضای مؤثر

یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه‌های کینز، مفهوم تقاضای مؤثر است. وی معتقد بود که سطح تولید و اشتغال در اقتصاد به میزان تقاضای مؤثر وابسته است. تقاضای مؤثر به مقدار پولی گفته می‌شود که افراد و شرکت‌ها برای خرید کالاها و خدمات خرج می‌کنند. اگر تقاضای مؤثر کافی نباشد، شرکت‌ها تولیدات خود را کاهش داده و نرخ بیکاری افزایش می‌یابد (Barnett, 2017).

تأثیرات نظریات کینز بر اقتصاد جهانی

نقش سیاست‌های مالی و پولی

نظریات کینز تأثیرات عمیقی بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در سطح جهانی داشته است. یکی از مهم‌ترین تأثیرات وی، پذیرش و اجرای سیاست‌های مالی و پولی فعال توسط دولت‌ها بوده است. در دوره‌های رکود اقتصادی، دولت‌ها از طریق افزایش هزینه‌های عمومی و کاهش مالیات‌ها، سعی در تحریک تقاضای کل و افزایش سطح اشتغال دارند. این رویکرد به ویژه در دوران رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ میلادی و بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ مؤثر بوده است (Boccalatte & Bowden, 2020).

بحران‌های اقتصادی و پاسخ‌های کینزی

در دوران بحران‌های اقتصادی، نظریات کینز به عنوان راهکاری برای مقابله با رکود و بازگرداندن اقتصاد به مسیر رشد مورد استفاده قرار گرفته است. در بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، بسیاری از کشورها از سیاست‌های مالی کینزی برای تحریک تقاضای کل و خروج از رکود استفاده کردند. افزایش هزینه‌های عمومی، کاهش مالیات‌ها و اقدامات مشابه باعث شد تا اقتصاد جهانی به تدریج بهبود یابد (Obstfeld, 2021).

نظریات جان مینارد کینز با تأکید بر نقش دولت در اقتصاد و اهمیت تقاضای مؤثر، تحولی اساسی در فهم ما از کارکرد اقتصاد کلان

نظریات شریعتی تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای در کشورهای اسلامی داشته است. در ایران، بسیاری از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تحت تأثیر ایده‌های شریعتی شکل گرفتند. به عنوان مثال، تأکید بر خودکفایی اقتصادی و کاهش وابستگی به نفت، یکی از سیاست‌هایی بود که تحت تأثیر نظریات شریعتی به اجرا درآمد (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022). همچنین، تلاش برای ایجاد عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی از دیگر تأثیرات نظریات وی بر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ایران بود.

نظریات شریعتی همچنین در سایر کشورهای اسلامی مانند مصر، پاکستان و ترکیه نیز تأثیرات قابل توجهی داشته است. در این کشورها، جنبش‌های اسلامی و اصلاح‌طلبانه از ایده‌های شریعتی برای توسعه بومی و اسلامی الهام گرفته‌اند و سعی داشته‌اند تا با استفاده از این نظریات، به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابند (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

نظریات علی شریعتی با تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی، خودکفایی و نقش دین در توسعه اقتصادی، تأثیرات گسترده‌ای بر جنبش‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در کشورهای اسلامی داشته است. این نظریات همچنان به عنوان یک منبع الهام‌بخش برای جنبش‌های تحول‌خواهی و نوسازی در جوامع اسلامی مطرح هستند و به تحلیل و بررسی دقیق‌تری نیاز دارند تا بتوانند به عنوان راهکاری برای توسعه پایدار و عادلانه در این کشورها مورد استفاده قرار گیرند.

مقایسه و تحلیل نظریات کینز و شریعتی

نقاط اشتراک و افتراق

جان مینارد کینز و علی شریعتی هر دو متفکرانی برجسته بودند که نظریات آنها تأثیرات گسترده‌ای بر توسعه اقتصادی و اجتماعی

یکی از مفاهیم کلیدی در نظریات شریعتی، عدالت اجتماعی و اقتصادی بود. وی معتقد بود که عدالت باید در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی برقرار شود. شریعتی بر این باور بود که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی ریشه بسیاری از مشکلات و ناآرامی‌های جوامع است و برای رسیدن به یک جامعه سالم و پیشرفته، باید به عدالت اقتصادی توجه ویژه‌ای شود (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022). وی معتقد بود که اسلام به عنوان یک دین جامع، می‌تواند پایه‌ای برای ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی فراهم کند.

تأثیرات نظریات شریعتی بر کشورهای اسلامی

تحول‌خواهی و نوسازی در جوامع اسلامی

نظریات شریعتی تأثیرات گسترده‌ای بر جنبش‌های تحول‌خواهی و نوسازی در جوامع اسلامی داشته است. وی با تأکید بر بازگشت به اصول و ارزش‌های اسلامی، سعی داشت تا یک الگوی توسعه بومی و اسلامی را ارائه دهد که بتواند جایگزین الگوهای غربی شود. این ایده‌ها به ویژه در ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، در شکل‌گیری سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای نقش مهمی ایفا کردند (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

نقش دین در توسعه اقتصادی

شریعتی بر این باور بود که دین اسلام می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا کند. وی معتقد بود که اصول و ارزش‌های اسلامی مانند عدالت، صداقت، تعاون و مشارکت می‌توانند پایه‌های محکمی برای ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و پیشرفته فراهم کنند (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022). شریعتی بر این باور بود که اقتصاد اسلامی باید به گونه‌ای باشد که نیازهای همه افراد جامعه را برآورده کرده و نابرابری‌های اقتصادی را کاهش دهد.

تأثیرات نظریات شریعتی بر کشورهای اسلامی

نظریات کینز و شریعتی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به گونه‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در کشورهای غیر اسلامی، نظریات کینز به عنوان پایه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در دوران رکود و بحران‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، در ایالات متحده و کشورهای اروپایی، سیاست‌های مالی و پولی کینزی در دوران رکود بزرگ و بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ به کار گرفته شد و تأثیرات قابل توجهی در بازگرداندن اقتصاد به مسیر رشد داشت (Obstfeld, 2021).

در کشورهای اسلامی، نظریات شریعتی به عنوان راهکاری برای توسعه اقتصادی بومی و اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، در ایران پس از انقلاب اسلامی، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری تحت تأثیر ایده‌های شریعتی شکل گرفت و تلاش‌هایی برای کاهش وابستگی به نفت و دستیابی به خودکفایی اقتصادی صورت گرفت (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022). در مصر و پاکستان نیز جنبش‌های اسلامی از ایده‌های شریعتی برای توسعه بومی و اسلامی الهام گرفته‌اند (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

کاربرد نظریات در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی

نظریات کینز و شریعتی هر دو در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورهای مختلف به کار گرفته شده‌اند. نظریات کینز به ویژه در زمینه سیاست‌های مالی و پولی مورد استفاده قرار گرفته است. دولت‌ها از طریق افزایش هزینه‌های عمومی و کاهش مالیات‌ها، تقاضای کل را تحریک کرده و به افزایش تولید و اشتغال کمک کرده‌اند (Boccalatte & Bowden, 2020). در مقابل، نظریات شریعتی بیشتر در زمینه عدالت اجتماعی و اقتصادی ایجاد نظام‌های اقتصادی بر پایه ارزش‌های اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، در ایران پس از انقلاب، تلاش‌هایی برای ایجاد نظام‌های اقتصادی عادلانه‌تر و کاهش

کشورهای مختلف داشته است. اما هر یک از آنها از زاویه متفاوتی به مسائل اقتصادی و اجتماعی نگریسته‌اند. در حالی که کینز بر نقش دولت در اقتصاد و اهمیت تقاضای مؤثر تأکید داشت، شریعتی بر عدالت اجتماعی و اقتصادی و نقش دین در توسعه اقتصادی تمرکز کرده بود (Patinkin, 2023).

دیدگاه‌ها درباره نقش دولت در اقتصاد

کینز به شدت بر نقش دولت در تنظیم اقتصاد تأکید داشت. وی معتقد بود که دولت باید از طریق سیاست‌های مالی و پولی، تقاضای کل را تحریک کند تا از رکود اقتصادی جلوگیری شود. به بیان دیگر، کینز بر این باور بود که بازار به تنهایی قادر به حفظ تعادل اقتصادی نیست و دولت باید به عنوان یک بازیگر فعال وارد میدان شود (Backhouse, 2021). در مقابل، شریعتی نیز به نوعی بر نقش دولت در تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید داشت، اما نگاه وی بیشتر به سمت ایجاد یک نظام اقتصادی بر پایه ارزش‌های اسلامی و عدالت اجتماعی بود (Keramatollahe, 2016; Rezaei et al., 2022).

مفهوم توسعه و عدالت اقتصادی

کینز توسعه اقتصادی را بیشتر از منظر افزایش تولید و اشتغال می‌دید و بر این باور بود که افزایش تقاضای کل می‌تواند به رشد اقتصادی منجر شود. وی معتقد بود که سیاست‌های مالی و پولی مناسب می‌توانند به تحریک تقاضا و افزایش تولید کمک کنند (Baddeley, 2017). در مقابل، شریعتی توسعه اقتصادی را با مفهوم عدالت اجتماعی پیوند می‌داد و معتقد بود که توسعه باید به گونه‌ای باشد که عدالت اقتصادی در جامعه برقرار شود و نابرابری‌ها کاهش یابد. وی بر این باور بود که اصول و ارزش‌های اسلامی می‌توانند پایه‌ای برای ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و پایدار فراهم کنند (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

تحلیل تطبیقی نظریات در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی

مطالعه موردی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی کشورهای اسلامی

ایران

ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ به شدت تحت تأثیر ایده‌های علی شریعتی قرار گرفت. سیاست‌های اقتصادی ایران در دهه‌های بعد از انقلاب، به ویژه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بر پایه اصول خودکفایی اقتصادی و عدالت اجتماعی تنظیم شدند. برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی ایران تلاش داشتند تا با کاهش وابستگی به صادرات نفت و تکیه بر صنایع داخلی، به خودکفایی اقتصادی دست یابند. با این حال، اجرای این سیاست‌ها با چالش‌های متعددی مواجه شد از جمله تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات مدیریتی که مانع از دستیابی کامل به اهداف خودکفایی اقتصادی و عدالت اجتماعی گردیدند (Hosseini, 2021).

ترکیه

ترکیه نیز در چند دهه گذشته تلاش کرده تا با استفاده از نظریات اقتصادی مختلف، از جمله ایده‌های علی شریعتی، به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابد. دولت‌های ترکیه به ویژه در دوران حزب عدالت و توسعه، سیاست‌های اقتصادی را به منظور کاهش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش عدالت اجتماعی اجرا کرده‌اند. این سیاست‌ها شامل افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، توسعه صنایع داخلی و افزایش خدمات اجتماعی بوده است (Arifin, 2023). ترکیه همچنین تلاش کرده تا نقش دین در اقتصاد را برجسته کند و از ارزش‌های اسلامی برای ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه استفاده کند.

مالزی

مالزی یکی از موفق‌ترین نمونه‌های کشورهای اسلامی است که توانسته با ترکیب اصول اقتصاد اسلامی و سیاست‌های مدرن اقتصادی، به توسعه اقتصادی پایداری دست یابد. دولت مالزی با الهام از نظریات اقتصادی شریعتی، به توسعه و خودکفایی اقتصادی

نابرابری‌های اقتصادی صورت گرفت (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

نتایج و پیامدها در کشورهای مختلف

تأثیرات نظریات کینز و شریعتی در کشورهای مختلف متفاوت بوده است. در کشورهای غیر اسلامی که از نظریات کینز برای مقابله با بحران‌های اقتصادی استفاده کرده‌اند، این نظریات به بهبود شرایط اقتصادی و افزایش اشتغال منجر شده‌اند. به عنوان مثال، سیاست‌های مالی و پولی کینزی در ایالات متحده و کشورهای اروپایی به خروج از رکود بزرگ و بهبود شرایط اقتصادی کمک کرده است (Obstfeld, 2021).

در کشورهای اسلامی که از نظریات شریعتی برای توسعه بومی و اسلامی استفاده کرده‌اند، نتایج متفاوت بوده است. در برخی کشورها، این نظریات به افزایش عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی کمک کرده است، در حالی که در برخی دیگر نتایج متفاوتی داشته‌اند. به عنوان مثال، در ایران، سیاست‌های اقتصادی تحت تأثیر نظریات شریعتی به کاهش وابستگی به نفت و افزایش خودکفایی اقتصادی منجر شده است، اما همچنان چالش‌های بسیاری در زمینه عدالت اجتماعی و اقتصادی وجود دارد (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

در مجموع، نظریات کینز و شریعتی هر دو تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای مختلف داشته‌اند. این نظریات با توجه به شرایط و فرهنگ‌های مختلف، به گونه‌های متفاوتی به کار گرفته شده و نتایج مختلفی را به همراه داشته‌اند. بررسی تطبیقی این نظریات می‌تواند به درک بهتری از راهکارهای توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی کمک کند.

توجه ویژه‌ای داشته و تلاش کرده تا از طریق برنامه‌های مختلف، نابرابری‌های اقتصادی را کاهش دهد (Arifin, 2023). برنامه‌های توسعه‌ای مالزی شامل ترویج صنایع محلی، کاهش وابستگی به منابع خارجی و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی اقتصادی بوده است. نتایج این سیاست‌ها به افزایش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری‌ها منجر شده است.

کشورهای غیر اسلامی

ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، به طور گسترده از نظریات کینز در دوره‌های مختلف بحران اقتصادی استفاده کرده است. به ویژه در دوران رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ و بحران مالی ۲۰۰۸، دولت آمریکا از سیاست‌های مالی و پولی کینزی برای تحریک تقاضای کل و بازگرداندن اقتصاد به مسیر رشد استفاده کرد (Obstfeld, 2021). سیاست‌های کینزی شامل افزایش هزینه‌های عمومی، کاهش مالیات‌ها و اقدامات مشابه، به بهبود شرایط اقتصادی و افزایش اشتغال کمک کرده است.

ژاپن

ژاپن نیز در دهه‌های اخیر از نظریات کینز برای مدیریت اقتصاد خود استفاده کرده است. به ویژه پس از بحران مالی دهه ۱۹۹۰ که به رکود اقتصادی طولانی مدت منجر شد، دولت ژاپن با افزایش هزینه‌های عمومی و اجرای سیاست‌های پولی انبساطی تلاش کرد تا اقتصاد را تحریک کند (Tily, 2009). این سیاست‌ها به بهبود نسبی شرایط اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری کمک کرده است، هرچند که چالش‌های بلندمدت مانند کاهش نرخ تولد و افزایش سن جمعیت همچنان به قوت خود باقی است.

آلمان

آلمان نیز از نظریات کینز در دوره‌های مختلف بحران اقتصادی بهره‌برداری کرده است. پس از جنگ جهانی دوم، سیاست‌های مالی

کینزی به بازسازی اقتصاد آلمان و بازگشت به رشد اقتصادی کمک کرد. در دوران بحران مالی ۲۰۰۸، دولت آلمان با افزایش هزینه‌های عمومی و اجرای سیاست‌های پولی مناسب، به تحریک تقاضای کل و بازگرداندن اقتصاد به مسیر رشد پرداخت (Obstfeld, 2021). سیاست‌های کینزی در آلمان به ویژه در زمینه کاهش نرخ بیکاری و افزایش تولیدات صنعتی تأثیرگذار بوده است.

تحلیل تجربیات و نتایج

تجارب کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی نشان می‌دهد که نظریات کینز و شریعتی به گونه‌های متفاوتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و نتایج متفاوتی به همراه داشته‌اند. در کشورهای اسلامی مانند ایران، ترکیه و مالزی، نظریات شریعتی به عنوان یک راهکار برای توسعه بومی و اسلامی به کار گرفته شده و تلاش‌هایی برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش عدالت اجتماعی صورت گرفته است. این سیاست‌ها در برخی موارد موفقیت‌آمیز بوده و به بهبود شرایط اقتصادی منجر شده است (Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

در کشورهای غیر اسلامی مانند ایالات متحده، ژاپن و آلمان، نظریات کینز به طور گسترده برای مدیریت بحران‌های اقتصادی و تحریک تقاضای کل استفاده شده است. این سیاست‌ها به ویژه در دوران رکود و بحران‌های اقتصادی، به بهبود شرایط اقتصادی و افزایش اشتغال کمک کرده‌اند (Obstfeld, 2021). با این حال، نتایج این سیاست‌ها بسته به شرایط خاص هر کشور متفاوت بوده و چالش‌های مختلفی همچنان به قوت خود باقی است.

در مجموع، تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که هر یک از نظریات کینز و شریعتی می‌توانند به عنوان ابزارهای مؤثری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند، اما اجرای موفقیت‌آمیز آنها نیازمند توجه به شرایط خاص هر کشور و تنظیم سیاست‌ها بر اساس نیازها و اولویت‌های محلی است.

نتیجه‌گیری

پیشنهادات برای تحقیقات آینده

تحلیل تطبیقی بیشتر: تحقیقات آینده می‌توانند به تحلیل تطبیقی بیشتری بین نظریات کینز و شریعتی و کاربردهای آنها در کشورهای مختلف بپردازند. این تحلیل‌ها می‌توانند به درک بهتری از تفاوت‌ها و شباهت‌های این نظریات و تأثیرات آنها در شرایط مختلف کمک کنند.

بررسی تجربیات موفق و ناموفق: مطالعه تجربیات موفق و ناموفق کشورهای مختلف در اجرای نظریات کینز و شریعتی می‌تواند به شناسایی عوامل کلیدی موفقیت و چالش‌های موجود کمک کند. این بررسی‌ها می‌توانند به توسعه راهکارهای عملی برای بهبود سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی کمک کنند.

تحلیل نقش فرهنگ و ارزش‌ها: تحقیقات آینده می‌توانند به بررسی نقش فرهنگ و ارزش‌های محلی در موفقیت یا شکست سیاست‌های اقتصادی بر پایه نظریات کینز و شریعتی بپردازند. این تحلیل‌ها می‌توانند به توسعه سیاست‌هایی کمک کنند که با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی هر کشور، بهبود یافته و به طور موثرتری اجرا شوند.

این مقاله نشان داد که نظریات جان مینارد کینز و علی شریعتی هر دو تأثیرات گسترده‌ای بر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای مختلف داشته‌اند. در حالی که کینز بر نقش دولت در اقتصاد و اهمیت تقاضای مؤثر تأکید داشت، شریعتی بر عدالت اجتماعی و اقتصادی و نقش دین در توسعه اقتصادی تمرکز کرده بود. بررسی تجربیات کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نشان داد که هر یک از این نظریات می‌توانند به عنوان ابزارهای مؤثری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند، اما اجرای موفقیت‌آمیز آنها نیازمند توجه به شرایط خاص هر کشور و تنظیم سیاست‌ها بر اساس نیازها و اولویت‌های محلی است.

تحلیل‌های تطبیقی و بررسی تجربیات موفق و ناموفق نشان می‌دهد که توجه به فرهنگ و ارزش‌های محلی می‌تواند به بهبود اجرای

این مقاله به بررسی و تحلیل تأثیرات نظریات جان مینارد کینز و علی شریعتی بر توسعه اقتصادی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی پرداخته است. یافته‌های اصلی مقاله به شرح زیر است: نظریات جان مینارد کینز: کینز با تأکید بر نقش دولت در اقتصاد و اهمیت تقاضای مؤثر، به عنوان پایه‌گذار اقتصاد کلان مدرن شناخته می‌شود. نظریات وی در مورد استفاده از سیاست‌های مالی و پولی برای تحریک تقاضای کل و کاهش نوسانات اقتصادی، به ویژه در دوران رکود بزرگ و بحران مالی ۲۰۰۸، به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Obstfeld, 2021).

نظریات علی شریعتی: شریعتی با تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی و نقش دین در توسعه، تلاش داشت تا یک الگوی بومی و اسلامی برای توسعه اقتصادی ارائه دهد. وی معتقد بود که اصول و ارزش‌های اسلامی می‌توانند پایه‌های محکمی برای ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و پایدار فراهم کنند (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

تأثیرات نظریات بر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی: نظریات کینز به طور گسترده در کشورهای غیر اسلامی برای مدیریت بحران‌های اقتصادی و تحریک تقاضای کل استفاده شده است. در مقابل، نظریات شریعتی در کشورهای اسلامی به عنوان راهکاری برای توسعه بومی و اسلامی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

مطالعه موردی کشورهای مختلف: بررسی تجربیات کشورهای اسلامی مانند ایران، ترکیه و مالزی نشان می‌دهد که نظریات شریعتی به طور موفقیت‌آمیزی برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش عدالت اجتماعی به کار گرفته شده‌اند. در کشورهای غیر اسلامی مانند ایالات متحده، ژاپن و آلمان، نظریات کینز به بهبود شرایط اقتصادی و افزایش اشتغال کمک کرده‌اند (Hosseini, 2021; Obstfeld, 2021).

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سیاست‌های اقتصادی کمک کند. در نهایت، تحقیقات آینده می‌توانند به توسعه راهکارهای عملی برای بهبود سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بر پایه نظریات کینز و شریعتی و سازگاری بیشتر آنها با شرایط خاص هر کشور کمک کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

EXTENDED ABSTRACT

This paper presents a comprehensive comparative analysis of the theories of John Maynard Keynes and Ali Shariati, examining their impacts on economic development in both Islamic and non-Islamic countries. Keynes is widely recognized as the father of modern macroeconomics, particularly for his emphasis on the role of government in stimulating effective demand to manage economic cycles. His theories have profoundly influenced economic policies, especially during times of economic crises. On the other hand, Shariati, an influential Iranian sociologist and philosopher, emphasized the importance of social and economic justice within an Islamic framework. His ideas have significantly shaped the discourse on economic development in Islamic countries, advocating for a model that integrates Islamic values with modern development principles.

Keynes's economic theories, particularly those articulated in his seminal work "The General Theory of Employment, Interest, and Money" (1936), revolutionized economic thought by challenging the classical view that markets are always clear. Keynes argued that aggregate demand, not supply, drives economic activity, and that insufficient demand can lead to prolonged periods of high unemployment and underutilized resources. He asserted that during economic downturns, active government intervention is necessary to boost demand through fiscal and monetary policies (Obstfeld, 2021). This interventionist approach has been instrumental in shaping economic

policy responses in non-Islamic countries such as the United States, Japan, and Germany during periods of economic recession and financial crises (Tily, 2009).

In contrast, Ali Shariati's theories focus on the intersection of religion, society, and economy, advocating for a development model that is deeply rooted in Islamic values. Shariati critiqued both Western capitalism and socialism for failing to address the spiritual and moral dimensions of human existence (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022). He proposed an Islamic framework for economic development that emphasizes self-reliance, social justice, and the equitable distribution of wealth. Shariati's vision was to create a society where economic activities are aligned with Islamic principles, ensuring that development is not only material but also spiritual and moral (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022). His ideas have influenced various Islamic movements and have been particularly impactful in shaping Iran's post-revolutionary economic policies, as well as in Turkey and Malaysia (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

The comparative analysis of the implementation of Keynes's and Shariati's theories in different countries reveals distinct outcomes based on their unique socio-economic and cultural contexts. In non-Islamic countries like the United States, Keynesian policies have been crucial in mitigating the adverse effects of economic crises. For instance, during the Great

Depression and the 2008 financial crisis, the U.S. government adopted Keynesian fiscal stimulus measures, such as increased public spending and tax cuts, to revive economic activity and reduce unemployment (Obstfeld, 2021). Similarly, Japan has utilized Keynesian policies to combat deflationary pressures and stagnation, particularly through large-scale public works programs and monetary easing (Tily, 2009). In Germany, Keynesian approaches have also been employed to stabilize the economy and promote growth, especially in the post-World War II era and during recent economic downturns (Obstfeld, 2021).

In Islamic countries, the application of Shariati's theories has led to different trajectories in economic development. In Iran, the post-revolutionary government adopted policies aimed at achieving economic self-sufficiency and social justice, reflecting Shariati's emphasis on reducing dependency on oil revenues and promoting industrialization (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022). However, the implementation of these policies has faced significant challenges, including international sanctions and internal inefficiencies. Despite these obstacles, Iran's approach to development continues to be influenced by Shariati's vision of integrating Islamic values with economic policies. In Turkey, economic policies under the leadership of the Justice and Development Party (AKP) have also been inspired by Islamic principles, seeking to balance economic growth with social equity (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022). Malaysia presents another example where Islamic principles have been integrated into national development strategies, leading to successful outcomes in terms of economic growth and social development (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

The analysis of these case studies highlights the importance of contextual factors in determining the effectiveness of economic theories. While Keynesian policies have been successful in addressing cyclical economic downturns in non-Islamic countries, Shariati's theories have provided a framework for pursuing long-term socio-economic goals in Islamic countries. This underscores the need for a nuanced understanding of how economic theories can be adapted to different cultural and institutional contexts to achieve desired outcomes. Moreover, the experiences of these countries demonstrate that integrating ethical and moral considerations into economic policies, as advocated by Shariati, can enhance social cohesion and equity, contributing to more sustainable development (Keramatollahe & Alireza, 2016; Rezaei et al., 2022).

In conclusion, this paper argues that the theories of John Maynard Keynes and Ali Shariati offer valuable insights for economic development, albeit from different perspectives. Keynes's focus on demand management and government intervention provides practical tools for stabilizing economies during crises, which has been evidenced in various non-Islamic countries. In contrast, Shariati's emphasis on social justice and Islamic values offers a holistic approach to development that addresses both material and spiritual needs, as seen in the experiences of Islamic countries like Iran, Turkey, and Malaysia. Future research should continue to explore the interplay between economic theories and cultural values, examining how these insights can be applied to design policies that promote inclusive and sustainable development in diverse contexts.

References

- Arifin, Z. (2023). Comparative Analysis of Muhammad Umer Chapra and John Maynard Keynes' Perspectives on Fiscal Stimulus in Addressing Economic Crises. *Organize*, 2(3), 135-145. <https://doi.org/10.58355/organize.v2i3.55>

- Backhouse, R. E. (2021). Post-Keynesian. <https://doi.org/10.7765/9781526148179.00013>
- Baddeley, M. (2017). Keynes' Psychology and Behavioural Macroeconomics: Theory and Policy. *The Economic and Labour Relations Review*, 28(2), 177-196. <https://doi.org/10.1177/1035304617706849>
- Barnett, V. (2017). Keynes, Animal Spirits, and Instinct: Reason Plus Intuition Is Better Than Rational. *Journal of the History of Economic Thought*, 39(3), 381-399. <https://doi.org/10.1017/s1053837216000274>
- Boccalatte, K., & Bowden, B. (2020). Keynesianism: Origins, Principles, and Keynes's Debate With Hayek. 1-26. https://doi.org/10.1007/978-3-319-62348-1_33-1
- Gerrard, B. (2023). Keynes, Ramsey, and Pragmatism. *Journal of the History of Economic Thought*, 45(3), 384-398. <https://doi.org/10.1017/s1053837222000311>
- Hosseini, H. (2021). Global Inequities and Healthcare Disparities: Can They Be Eliminated Ethically? *International Journal of Ethics and Systems*, 37(2), 181-196. <https://doi.org/10.1108/ijoes-11-2020-0175>
- Keramatollahe, Z., & Alireza, M. (2016). An Analysis of the Characteristics of Regional Development Management in Iran during the Periods before and After the Islamic Revolution (1907 to 2015). *Majlis and Rahbord*, 22(84), 73. <https://www.magiran.com/paper/1490560>
- Obstfeld, M. (2021). Globalization and Nationalism: Retrospect and Prospect. *Contemporary Economic Policy*, 39(4), 675-690. <https://doi.org/10.1111/coep.12527>
- Patinkin, D. (2023). Keynes, John Maynard (1883–1946). 1. <https://doi.org/10.1057/9780230226203.2884>
- Rezaei, M. J., Yarahmadi, M., & Salehi, A. H. (2022). A Review of the Sixth Development Plan based on the Economic Discourse of the Islamic Revolution on Rural Development: Suggestions for Drafting the Seventh Development Plan. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 10(39), 476-507. https://www.jmsp.ir/m/article_145263_61cf33bfa762f75fde25639d8c3afcf8.pdf?lang=en
- Tily, G. (2009). John Maynard Keynes and the Development of National Accounts in Britain, 1895–1941. *Review of Income and Wealth*, 55(2), 331-359. <https://doi.org/10.1111/j.1471-8847.2009.00322.x>